

# تهران شهر اقوام و مشاهیر است

احمد مسجد جامعی عضو شورای شهر تهران از فرهنگ به عنوان زیر ساخت دیپلماسی شهری می نویسد

دیپلماسی شهری از گذشته دور تاکنون براساس شکل دو جانبه آن یعنی خواهرخواندگی استوار بوده زیرا زمین را مادر تصور می کردند این نگاه امروز در کشور ما متمرکز بر هوشمندسازی باتکیه بر بعد اقتصادی است که نهایتاً در طول سال های اخیر به سطح خرید تجهیزات و لوازم از کشورهای مبدأ تقلیل یافته است. تاجایی که در همین سفر اخیر، مهمترین دستاوردی که بیان می شود ضمن تمرکز بر مبحث آموزش، تهیه تجهیزات روزرسانی امکانات شهری است که ریشه در نیازهای اساسی شهر دارد. از جمله این نیازها تجهیزات مدرن آتش نشانی است. به نظر می رسد به دلیل غلبه نیاز، رکن اساسی دیپلماسی شهری که بعد فرهنگی آن است به حاشیه رانده شده است.

پیش تر در یادداشتی با نام هویت فرهنگی و میراث شهری به طرح این پرسش در مدیریت شهری که کدام یک بیشتر اهمیت دارد، پرداختیم که الگوی روشنی از نوع نگاه ما به این دوحوزه را نشان می دهد، دوحوزه ای که محور اساسی دیپلماسی شهری است و بدون پاسخ روشن به آن تصمیمات از پیش گرفته، چونان کالبدی بدون روح باقی خواهد ماند. می دانیم که مادر شهرسازی سابقه ای دست کم سه هزار ساله داریم و شهرهایی چون همدان - هگمتانه - به معنای محل گرد آمدن مردم - شوش و پاسارگاد نمونه های آن هستند.

از این رومعرفی آثار تاریخی، فرهنگی، هنری و میراثی مهمترین قدم برای ارتباط نزدیک ملت هاست. با شناساسازی ظرفیت شهر و به تصویر کشیدن امکانات آن می توانیم به نمادسازی شهری دست یابیم که خود از ابزارهای کاربردی دیپلماسی شهری است و این فرصت از طریق فراهم آوردن زمینه مراسم و جشنواره های ملی و بین المللی در باز زمانی شهر خدمت می کند. چنانکه بسیاری از جشنواره های پرآوازه دنیا با نام شهری که در آنجا برگزار می شوند شناخته شده اند مانند کن، مسکو و قاهره. مقوله هایی مانند تهران گردی، روز تهران، کتابگردی که پوشی مردمی است و یا انتخاب پلاک طلایی با همکاری شورایان که می تواند گونه ای جدید از مشارکت شهری را رقم بزند و یا جایزه خشت طلایی و... همگی به هدف آن انجام می شود که به ظرفیت های بالقوه شهر نه در شرایطی خاص و موردی بلکه با برنامه ریزی و به شکلی هدفمند در طول سال یاری بدهد و زیرساخت مناسبی برای معرفی و گفت و گو در قالب دیپلماسی شهری فراهم آورد. تهران، شهری به وسعت ایران است و همه اقوام ایرانی در آن گرد آمده اند. مزیت نسبی ایران در جهان، مشاهیر و دستاوردهای فرهنگی و هنری آن است. به طور مثال نوروز در فرهنگ ایران و کشورهای دیگر رسم مشترکی است که از گذشته یادگار مانده و خود قابلیت دیده شدن در گفت و گو شهری را دارد که آن را در خاطرهای بازگو می کنم، چند سال پیش در تپه های عباس آباد بوستانی به نام اکو راه اندازی شد آن هنگام پیشنهاد دادم تا نام آن را نوروز بگذاریم، زیرا نوروز محور ارتباطات بسیاری از ملت ها از جمله کشورهای عضو، اکو است که خوشبختانه انجام شد از آنجایی که آینده شهرها در گرو همکاری شان



بایکدیگر است و ارتباط دنیای آینده را شهر و ندان رقم خواهند زد این نام گزینی خودمقدمای بر تعریف فرصت برای این شکل همکاری ها خواهد بود.

تهران از آغاز پایتختی در برگیرنده بیش از ۲۵ گروه مختلف ایرانی بوده است و در کهکشان آن شاهد حضور دیگرانی از سراسر عالم هستیم. از این روست که در پایتخت ایران، گورستان های شناخته ای از ملل دیگر مثلاً فرانسوی ها، بریتانیایی ها، ایتالیایی ها، روس ها، لهستانی ها داریم. ایران در طول همه این سال ها پناهگاه ملت های آسیب دیده از رنج و تجاوز در منطقه بوده است. از این رودرختستین آمارهای جمعیتی، بسیار کسان از ملیت های عثمانی، مستعمرات روسیه و مستعمرات بریتانیا در منطقه شبه قاره هند داریم که این ها به نوعی میهمان مردم ایران و پایتخت آن در سال های بحرانی بوده اند. پس از آن و در دوره های متاخر نیز، ایران پناهگاه مردم افغانستان، عراق، سوریه، کردها و ارمنه ایست که از این سو و آن سو مورد تهاجم قرار گرفته و تحت فشار بوده اند. این بده و بستان، زمینه ساز نام های خانوادگی بسیاری شده که در میان ما رواج دارد.

همه این ها نشان دهنده ظرفیت بالای ارتباط مردم ما با سایر مردمان در دیگر نقاط است و همه آن ها خاطرات تلخ و شیرینی از این سرزمین دارند که می توانند پایه دیپلماسی شهری باشد.

سبک های مختلف معماری در ایران که برگرفته از مکاتب مختلف در عالم است بحث دیگری در دیپلماسی فرهنگی شهر می گشاید. خیابان سی تیر که بیانگر دوستی ادیان زرتشتی، مسیحی و کلیمی در کنار اسلام است خود جلوه ای دیگر از دیپلماسی فرهنگی را به نمایش می گذارد حتی معماری خیابان سی تیر که مهمترین سبک معماری آن ترکیبی از سبک اصفهان با سبک تهران است به واسطه ظهور تلفیق هر دو سبک معماری باشیوه اروپایی است و بالا به از که تجلی سبک اروپایی از خیابان است و پس از آن خیابان انقلاب که هم از لحاظ محتوا و هم کالبدی و تاریخ منداست و طی صد ساله که از عمر آن می گذرد همواره محور مکان - رویدادهای تاریخی بسیاری بوده است و همین طور در بخش های شمالی تهران نیز معماران صاحب نامی از جهان با کمک هنرمندان ایرانی کارهایی عرضه کرده اند که به بخشی از فرهنگ ایرانی تبدیل شده و تلفیقی از هر دو فرهنگ است.

ایران پل پیروزی است و نماد پیروزی خواهد ماند. تاریخ معاصر پر از جلوه های مختلفی است که این موضوع را روشن می کند. ایران در منطقه ای قرار گرفته که آن را قلب جهان می خوانند و در قلب جهان قلب دیگری است که ایران خوانده می شود و تهران پایتختی است که همه اقوام ایرانی در آن حضور داشته و دارند.

اگر این ظرفیت ها شناخته شود، ظرفیت بی نظیر دیپلماسی شهری تهران که تاکنون از آن غفلت شده بیشتر شناخته خواهد شد. بیهوده نیست که در هفته تهران و به ویژه در روز تهران ده ها تن از سفرا و نمایندگان کشورهای آشنایی بیشتر با تهران در آن مراسم حاضر بودند و وزیر امور خارجه سخنران اصلی بود، چون او نیز

مقوله هایی مانند تهران گردی، روز تهران، کتابگردی که پوشی مردمی است و یا انتخاب پلاک طلایی با همکاری شورایان که می تواند گونه ای جدید از مشارکت شهری را رقم بزند و یا جایزه خشت طلایی و... همگی به هدف آن انجام می شود که به ظرفیت های بالقوه شهر نه در شرایطی خاص و موردی بلکه با برنامه ریزی و به شکلی هدفمند در طول سال یاری بدهد و زیرساخت مناسبی برای معرفی و گفت و گو در قالب دیپلماسی شهری فراهم آورد



می دانند در دنیای پر تلاطم امروزی دیپلماسی شهری راهی برای گسترش تعامل و تعمیق روابط ملت هاست. این نمونه ای از دیپلماسی شهری است که سود آور بوده و هزینه آن را پدیدار مافوق تاریخ پریهای این شهر پرداخته اند. علاوه بر آن امسال در هفته تهران باز گشایی برخی از موزه های شهری را شاهد بودیم که از جمله آن ها خانه موزه مینیایی است که به عنوان موزه ی روایتگر داستان های خیابان ولیعصر کار خود را آغاز کرد، موزه دخیانیت که نمایشگر اسناد و آثار تاریخی شرکت دخیانیت است و یا موزه معمار که یادگاری است از مرحوم استاد حسین لرزاده، معماری که در تهران بسیار اهمیت دارد و کمتر جایی در شهری توان یافت که نشان از ایشان نباشد که بی اغراق می توان اورا «معمار تهران» نامید. همه این مثال ها خود نشانگر مشتی از خرد و ظرفیت های موجود شهر تهران است که روند توسعه و گسترش شهری و نیازهای متنوع آن را بسیاری از لایه های حتی امروزی از این امکانات را به فراموشی سپرده است و می توان بهره گیری از این دیپلماسی شهری و تمرکز بیشتر بر صورت بندی ایده ها و راهکارها، رشته سر درگم این بی توجهی را شناسایی کرد و زمینه گفت و گوهای متقابل را فراهم ساخت. گفت و گویی که کلا نشهرها با هدف نشان دادن توانایی ها و علاقه مندی هایشان و به قصد معرفی خود، برای بهره گیری بیشتر از امکانات جهانی بیان می کنند. جان کلام آن که تهران می تواند این سو و آن سوی عالم را به هم متصل کند و به تعبیر نخست وزیر مالزی ماهاتیر محمد، جاده ابریشم هوایی نیز باشد. بازی فرهنگ زیرساخت دیپلماسی شهری است.

ایران

ویژه نامه روز جهانی شهرها  
آبان ۱۳۹۸